



## افول و سقوط "مقام معظم رهبری" پیش پرده انتخابات رئیس جمهور دهم، قسمت سوم

"در چنین شرایطی بدیهی است که معظم اله باید توسط نهادهای ذیربط و بخصوص مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و سازمان قضائی نیروهای مسلح مورد مواخذه قرار بگیرند و در صورت صحت چنین خبری بعد از محاکمه توسط قوه قضائیه و دادگاه ویژه روحانیت از سمت خود بر کنار شوند تا فقیه دیگری و یا شورایی از فقها جانشین ایشان شوند." جمله بالا از اظهارات

نریا شهابی



## اعتراض یکپارچه علیه گرسنگی (مصاحبه پرتو با صالح سرداری)

پرتو: در روزهای ۱۲ و ۱۳ اسفند اعتصاب و تظاهرات بزرگی در شهرمریوان اتفاق افتاد. اعتراض مردم به چه بود؟

صالح سرداری: اعتراض روزهای اخیر مردم به بستن مرز مریوان با کردستان عراق بود که هزاران انسان از طریق کار سخت و پر از خطر در این مرز امرار معاش می کنند. این هزاران انسان به بیکاری کامل و بی تامینی افتاده اند. سرکوبگران جمهوری اسلامی ۳ روز قبلتر هم با تیراندازی به انسان های زحمتکشی که در این مرز کار می کنند چند نفر از آنها را دستگیر و یک نفر را زخمی کرده، بطوریکه چشم چیش

صالح سرداری

صفحه ۴



## جلوه هایی از ۸ مارس سنندج

(پای صحبت آزاد زمانی) شهر سنندج یکی از کانونهای زنده برگزاری مراسمهای ۸ مارس در سالهای اخیر بوده است. آزاد زمانی از دست اندرکاران این مراسمها بوده و تجارب و خاطرات متعددی از این مراسمها دارد. در این رابطه مصاحبه زیر را مطالعه میکنید.

### هشت مارس یکی از جلوه های درخشان و متمایز جنبش ماست

پرتو: هشت مارس روز جهانی زن نزدیک می شود. چه احساسی دارید. چه خطراتی برای شما تداعی میشود؟ از آغاز فعالیتهایی که برای برگزاری هشت مارس داشته اید چه چیزهایی را به خاطر دارید؟

آزاد زمانی: هشت مارس یکی از جلوه های درخشان و متمایز جنبش ماست. هشت مارس برای من شور و شوق میآورد روزی خوشایند است برای ابراز وجود اجتماعی انسان یابی

صفحه ۴

## لزوم اقدامی عاجل برای افزایش دستمزدها

برهان دیوارگر

صفحه ۷

برهان دیوارگر

صفحه ۸

## در دفاع از حق حیات افغانیهای مقیم ایران

سعید آرمان

صفحه ۸

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران  
تکرار برنامه ۲۰:۳۰ تا ۳۰:۳۰ نیمه شب

نشریه مازب کمونیست کارگری حکمتیست

هر هفته جمعه ها منتشر می شود  
پرتو را بفمایند و به دوستان خود معرفی کنید

## کنگره سوم حزب حکمتیست

تدارک سیاسی و اجرایی کنگره سوم حزب حکمتیست در جریان است. ۶ شماره تالکونی نشریه کنگره تصویری از مباحثات و موضوعات جدی پیش روی کنگره را نشان میدهد. مجموعه مباحثات و قرار و قطعنامه های مطرح شده حول چهار محور اصلی فوکوس کرده اند.

برخورد و راه حل کمونیستی در قبال بحران جهانی سرمایه، روندهای جدید اوضاع سیاسی ایران و اولویتهای و مصافهای جدید حزب حکمتیست، جنبش طبقه کارگر ایران، موانع کنونی و مصافهای آتی و خط مشی کمونیستی کارگری در این جنبش و گارد آزادی و چگونگی تقویت و گسترش آن، چهار محور مهم مورد بحث و تبادل نظر تالکونی بوده است.

این موضوعات دلخواهی برجسته نشده اند. تحولات بیرونی در جامعه و تغییرات اساسی روندهای اقتصادی و سیاسی دنیای معاصر و فاکتورهای جدید اوضاع سیاسی ایران و تأثیرات آن بر روند مبارزه طبقاتی و جنبش طبقه کارگر جوابگویی به این مسائل را به صدروظایف هر حزب جدی کمونیستی رانده است.

مباحث تالکونی قبل از کنگره نشان میدهد، نمایندگان کنگره حزب حکمتیست با چشمان باز و با تشخیص درست به استقبال کنگره ای میروند که میتواند نقش تعیین کننده ای در تقویت سیاست کمونیستی در قبال بحران سرمایه و سنگربندی مهمی در مقابل تعرض سرمایه و به طور مستقیم تر در فضای ایران خط مشی را پی ریزی کند که بتواند به تغییر تناسب قوا به نفع جنبش طبقه کارگر و جنبش نوین آزادیخواهی و برابری طلبی منجر شود. کنگره سوم حزب حکمتیست در دوران حساسی برگزار میشود.

مباحث تالکونی نشان میدهد این کنگره منوجه رسالت سیاسی خویش است. شاخص موفقیت کامل این کنگره جوابگویی به نیازهای مبارزه کمونیستی این زمانه است.

\*\*\*

زنده باد سوسیالیسم

→ "رهروان راه حسین"، از طرفداران جناح راست و مخالف خاتمی،

است که ظاهراً حمایت "رزمندگان اسلام" و "سربازان گمنام امام زمان (عج)" را هم یدک میکشد. این خط و نشانی است به "مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای" که در انتخابات دخالت نفرمایند! هشداری است به او که در صورت تلاش برای به خط کردن سپاه و بسیج در حمایت از احمدی نژاد، سروکار معظم اله با "رهروان راه حسین" و اعوان و انصارشان خواهد بود. و این تنها یک نمونه از خط و نشان کشیدن و تهدیدات دارو دستجات در حکومت علیه همدیگر است.

کمی بیش از سه ماه به موعد انتخابات مانده، التهابی در درون حاکمیت و پایه هایش در مورد انتخاب نفر بعدی که بتواند فارغ از گزنده تعرض مردم، به "صحت و سلامت" بر صندلی ریاست جمهوری بنشیند، نظام را حفظ و از این تند پیچ هم عبور دهد، براه افتاده است. در این شرایط، خامنه ای و جناح راست هنوز بلامتکلیف مشغول "اعمال فشار" اساساً بر مردم، و در مقابل رقیب انتخاباتی خود منتظر "فرصت" ابراز وجودند! بقایای جناح "اصلاحات"، که تغییر رابطه غرب با ایران و مفتوح شدن باب دیگری از گفتگو و دیپلماسی با ایران در کالبد بی

جانش مقداری اعتماد به نفس دمیده و برایش فضایی برای ابراز وجود باز شده است، سرانجام خاتمی را رسماً در میدان "مبارزات انتخاباتی" جلوی صحنه گذاشت. و خاتمی، کسی که علاوه بر مردم، حتی لشکریان طرفداران سابقش هم او و

**واقعیت این است که همه مهره های اصلی رژیم شان، سوخته اند.**

**مردم پرونده خاتمی و احمدی نژاد شان را بسته و زیر بغل شان زده اند. مردم و جوانان با کوباندن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "زنده باد آزادی و برابری" بر پیشانی روسای همه جناحهایشان، به ارزش مصرف خاتمی و احمدی نژاد خاتمه داده اند.**

ادعاهایش را به سخره میگیرند، بعنوان یکی و شاید تک مهره جناحی فعلاً کاندید شده است. راست که کوله باری از نفرت و خشم عمومی از احمدی نژاد و خامنه ای و اعتراض به فقر عنان گسیخته را بر دوش دارد، هنوز نتوانسته است بر تشنیت در بدنه و رهبریش فایق آید و موفق نشده است که خود را پشت کاندیدی به خط و به میدان بیاورد. سررسیدن موعد انتخابات در شرایط تعمیق بحران اقتصادی رژیم و خطر فلج کامل سیستم اداری اقتصادی رژیم، در دل

رژیم شان، سوخته اند. مردم پرونده خاتمی و احمدی نژاد شان را بسته و زیر بغل شان زده اند. مردم و جوانان با کوباندن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "زنده باد آزادی و برابری" بر پیشانی روسای همه جناحهایشان، به ارزش مصرف خاتمی و احمدی نژاد خاتمه داده اند.

"دخیل بستن" تعدادی به چهره هایی چون میرحسین موسوی "نخست وزیر دوران جنگ و دفاع مقدس" و نشخوار نوستالژی دوران قلمچاقی و قدرقدرتی روزهای پایه ریزی حکومت شان، مقطعی که میتوانند نفس مخالف در سینه هر جنبنده ای را در جا خفه کنند، چیزی جز نشان استیصال و اعتراف به شکست شان نیست. اعتراف به شکست در تحقق "شعائر انقلاب اسلامی" و "خنج کشیدن به چهره" که بله

اهداف "انقلاب اسلامی" شان برآورده نشده است، و اعتراف به اینکه بعد از سی سال قتل و جنایت نتوانستند مردم ایران را به زانو درآورند و به حاکمیت یک حکومت اسلامی بالای سرشان به رضایت بکشانند، امروز خصلت نمای کمپین های "مبارزات انتخاباتی" رئیس جمهوری دهم شان است.

هئیت حاکمه ایران در آستانه انتخاب دهمین رئیس جمهورش ناچار شده است که آخرین و تنها بازمانده سرمایه ایدئولوژیک و سیاسی اش، مقام معظم



**آزادی، برابری، حکومت کارگری**

→ رهبری را قرآن بدست در معیت وارثین "خون شهدا" و دستجات اوپاش "حسین حسین" خوان، جلوی صحنه و در دسترس مردم قرار دهد. پیش درآمد حضور مقام رهبری به صحنه انتخابات فی الحال راه اندازی دستجات قمه کش و بخش لباس شخصی حکومت و انداختن آنها به جان دانشجویان و راه اندازی اعدامها و بگیر و ببندها، است. این برایشان بازی با آتش است. از لاعلاجی رهبر و همه مقدساتشان را در خیابان و در مقابل مردم قرار میدهند. مقام معظم بدنبال لگد خوردن مستقیم توسط اعتراضات وسیع مردم طی سالهای اخیر و بدرقه شدنش با شعار "سید علی پینوشه ایران شیلی نمی شه"، امروز در صفوف خودش و توسط سپاهیان خودش هم با خنجر تهدید میشود!

موقعیت لرزان رهبر معظم اله، نشان از به انتها رسیدن سرمایه زندگانی جریان اسلامی در ایران، به شکلی که سی سال گذشته حکومت کرد، دارد. تجزیه در صفوف حاکمیت و تغییر آرایشی که کالپیر آن را هم دارد که خونین هم باشد، بسرعت آغاز میشود.

صورت مسئله سرنوشت مقام معظم رهبری این آخرین سنگر ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بین خود هئیت حاکمه باز شده است. تضعیف مقام رهبری مشام رفسنجانی را تحریک کرده است.

تنه زندهای رفسنجانی به رهبر، ژست "بی طرفی" رهبرمآبانه او در مورد انتخابات و استفاده از کارت ویزیت با جلال طالبانی برای میانجیگری در عرصه بین المللی، همه و همه ابزاری برای گشاد کردن صندلی رهبری و شریک شدن او در آن است. اما در جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، مراسم ذوب و تغییر مقام رهبری، اتفاقی چون تغییر رئیس جمهور و تعویض این و آن وزیر و استاندار نیست و نمی تواند در آرامش و با صلح و صفا صورت بگیرد!

واقعیت این است که مقتضیات سیاسی و اقتصادی امروز دست بدست شدن قدرت در میان باندهای قدرت در صفوف هئیت حاکمه جمهوری اسلامی و "تغییر" در آرایش صفوفش را بیش از پیش ضروری کرده است.

این ضرورت بیش از هر زمان دیگری امروز حیات رژیم را به مخاطره انداخته است و فی الحال تجزیه در صفوف رژیم آغاز شده است. طی این تجزیه علاوه بر زدن چوب حراج به صندلی مقام رهبری، انواع باند ها و مافیاهای اسلامی که در تجزیه و تغییر آرایش حاکمیت هر کدام سهم و نقش جدیدی میخواهند، به صحنه خواهند آمد. صفوف درهم ریخته دشمنان مردم فرصتی برای میلیونها مردم به فغان آمده از فقر و اختناق باز میکند.

حکومت به روال سابق نمی تواند بماند، این را بیش از هر فاکتوری، مردم تحمیل کرده اند. نزاع جناحها، درخلاء صورت نمی گیرد.

حدت گرفتن نزاع داخلی حکومت مقدم بر هرچیزی خود محصول فشار اعتراضی مردم است. نارضایتی شدید و غیرقابل مهار طبقه کارگر، اعتراضات رو به گسترش دانشجویان در سراسر ایران، اعتراض کارکنان و محرومین جامعه علیه فقر و اختناق، دورنمای انفجارات عظیم اجتماعی را به روشنی ترسیم میکند. این را رژیم با تمام ذرات وجودش حس میکند و از آن هراس دارد.

این انتخابات قرار نیست مردم را به میدان بیاورد، میدانند که پشم و پيله سرتاسر شخصیت هایشان نزد مردم ریخته است و مردم کمترین امیدی به اصلاح رژیم ندارند.

صدای نه به حکومت اسلامی با همه جناحها و سیستم قضایی و زندان و مجلس و وزارت اطلاعاتش را به خوبی شنیده اند. میدانند که اگر مردم در گرماگرم انتخابات بر سر جملگی شان نشورند، شانس آورده اند. واقعیت این است که آنجا هم که از "راههای ایجاد شور و شوق انتخاباتی" صحبت میکنند، بیش از آنکه خطابشان مردم باشد، خطابشان به صفوف درهم ریخته خودشان است.

مراسم انتخابات رئیس جمهور دهم، بیش از همه مراسم های

انتخابات های قبلی کاملاً و یک دست مراسم درون خانوادگی جریان اسلامی حاکم در ایران است برای تغییر صفوف خودشان. اگر مردم از این فرصت استفاده نکنند، از شکاف در حکومت برای تعرض استفاده نکنند و برسرشان نریزند، انتخاباتشان موفق بوده است.

حکومت بر لبه تیغ ایستاده است. نه سرکوب میتواند نجاتش دهد و نه سازش با مردم. هم سرکوب و هم کمترین سازشی با مردم مردم را علیه شان میثوراند.

فریادی از اعماق جامعه، از قعر تباهی و سیاهی و نکبتی که جمهوری اسلامی بر سر مردم ریخته است ندای آغاز جنگ آخر مردم با رژیم را میدهد. باید خود را آماده کرد، روند اوضاع پرتلاطم است. باید گرد سازمان و حزب کمونیستی، بدور حزب حکمتیست، جمع شد و کمک کرد که جنگ آخر مردم با رژیم، بیروز قطعی آنها باشد.

[soraya.shahabi@gmail.com](mailto:soraya.shahabi@gmail.com)

پرتو شماره ۵۳:

[پیش برده انتخابات رئیس](#)

[جمهور دهم: عبور از احمدی نژاد](#)

[- قسمت اول - ثریا شهابی](#)

پرتو شماره ۵۴:

[پیش برده انتخابات رئیس](#)

[جمهور دهم: بازگشت دوخرداد -](#)

[قسمت دوم -](#)

\*\*\*

زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

## هشت مارس یکی از جلوه های درخشان و متمایز جنبش ماست

ادامه از ص ۱

عصر روز هفدهم اسفند ماه ۶۸ بعد از چند روز تلاش برای تدارک هشت مارس و پخش و توزیع تراکتها در میدان آزادی شهر سنجند جنب دبیرستان قصری نیروهای اداره اطلاعات اتومبیلی را که در آن بودم متوقف کردند. با ضرب و شتم مرا بیرون کشیدند. مردم وجوانها شهر دخالت کردند. صدای تیراندازی پاسدارها و هورا کشیدن و اعتراض مردم درم آمیخته شد. درچنگ پاسدارها و مردم دست بدست میشدم، اضطراب تمام وجودم را فرا گرفته بود تشخیص نمی دادم کی به کیست، درکشمش و هول دادن های لحظه به لحظه از محل اتومبیل دور شده بودم وجوانها داد زدن فرار کن ما راهشون را گرفته ایم .... صدای جمعی مردم درجودم انرژی شد صحنه را ترک کردم.

بعد از مدتها و ماجراهای زیادی که از حوصله این بحث خارج است دستگیر شدم بعد از یک کتک کاری مفصل

جستند و انسانهای امیدوار را به غل و زنجیر وزندان میکشیدند. زور میزدند تا از سرآغازی نو جلو گیری کنند. امیدوارها را شورشیان معاند نظام اسلامی لقب میدادند. جامعه را کور و کر می خواستند زن پارسا و سربزیر را جار می زدند. سختی و خشونت حکم تام داشت....

**درچنین فضایی سنگین که بغض اجتماعی گلو میلیونها انسان را به هم می فشرد. آمدیم، نسلی معترض از تبار انسانهای عصر اختناق، جنبش شکست نخوردگان تاریخ، آمدیم، با اوراقی که بر آن نوشته بودیم "آزادی و برابری!" روزنه های امید را به امیدهای اجتماعی تبدیل کردیم. درگوش کوچه و خیابان آزادی و برابریا زمزمه کردیم و گفتیم ظنین رسای این صدا درحضور قدرتمند شماست. جنبش ما منشأ امید و رهایی انسان است. رهایی کارگراست. رهایی زن است. رهایی کودک است. خوشبختی بشر را با خویش دارد. ببینید!**

های بزرگتری که فرا روی ماست بکار گرفته شوند. بیست و سه سال پیش چند روز مانده به هشت مارس (۱۳۴۸) تراکت و فراخوان این روز را با چاپ شیشه ای و استنسیل در هزار برگ نوشتم هزارویک تا مشکل داشتم از مشکل امنیتی تا چاپ و خشک کردن اوراق و پخش آنها، با نوشتن اعلامیه ها و تراکتها میخواستم فضا را یک جوری درهم بشکنم همیشه دنبال یک راهکاری بودم که مردم احساس کنند مبارزه جاریست و تعطیل نا پذیراست و فضای سرکوب هر چند شدید نمی تواند مانع تلاش ها شود. آن روزها فضای سرکوب خیلی شدید بود بگیر و ببند بیداد میکرد اختناق در اوج خود بود. پاسداران وجلادان اسلامی از کلمه آزادی رم میکردند سیاهی بر زندگی جامعه حکم میراند و پیر جماران فتوی تیرباران عشق و زندگی را صادر کرده بود. پاسداران جهل و خرافه، روزنه های امید را در میان مردم می

از تبعیض و ستم، روزی برای پس زدن ارتجاع و آپارتاید جنسی است. روز طرح ادعای جامعه ای آزاد و انسانی است. روز اعتراض میلیونی انسانهایی است که از نابرابریهای وضع موجود به تنگ آمده اند و در این روز پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را فرا روی جامعه به اهتزاز درآورده اند. روز هشت مارس ها و اول مه ها روزهایی که ما را به شورشی های علیه تبعیض و ستم در جامعه تبدیل کرد!

خاطرات زیادی دارم تلخ و شیرین، به خاطر هشت مارس شیرینی ها داده ام و شیرینی ها خورده ام. به خاطر برگزاری هشت مارس شلاق و کتک خورده ام. سلول وزندان طولانی مدت را تجربه کرده ام. هشت مارس برای من و رفقایم سرشار از فراز و نشیب است. مملو از درس و تجربه است تجاربی که برای جنبش هشت مارس جنبش علنی دفاع آزادی و برابری انسان گرانهاست و باید برای پیشروی

ادامه از ص ۱ مصاحبه پرتو ...

## اعتراض یکپارچه علیه گرسنگی

را از دست داده است. بستن مرز نه تنها این کارگران را بیکار کرده، بلکه باعث رکود و بی رونقی بازار شهر مریوان هم شده است. اکثر مغازه های این شهر از این طریق به کسب و کار مشغولند. این مسئله باعث شده نه تنها کسانی که به آنها کول بر (کارگران حمل کننده اموال در مرز) می گویند، به اعتراض دست بزنند بلکه تمام بازاریان شهر را هم به اعتراض کشانده است. شهر یکپارچه به حالت تعطیل کامل درآمده است.

**پرتو:** آیا این حرکت و فضای اعتراضی ادامه دارد؟ این مبارزات را چگونه میشود قدرتمند کرد؟ پیام شما به مردم مریوان چیست؟

از عواقب آن می ترسند. طبق آخرین خبر رسیده امروز از سنجند نیروهای کمکی به مریوان فرستاده اند.

**پرتو:** این مبارزات را چگونه میشود قدرتمند کرد؟ پیام شما به مردم مریوان چیست؟

**صالح سرداری:** قدرتمند کردن این مبارزات در گرو متشکل شدن و متحد شدن است. غیر از این راه دیگری نیست تنها با متحدانه عمل کردن می توان جمهوری اسلامی را وادار به قبول کردن این مطالبه بر حق و عادلانه کرد. همین کاری که مردم شهر یکپارچه به آن عمل کردند. اکنون هم باید دست اندرکاران و همه کسانی که مسبب این وضعیت هستند را وادار کرد مجبور شوند مرز را باز کنند. غیر از این باید دانش آموزان و معلمان با تعطیل کردن مدارس به حمایت مردم برخیزند.

\*\*\*

جمهوری اسلامی جواب روشنی را به مردم نداده اند. مردم امروز تهدید کرده اند که تا باز کردن مرز به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه میدهند و همچنین گفته اند فرزندانمان را به مدارس نمی فرستیم، چون بچه گرسنه نمی تواند درس بخواند.

**پرتو:** عکس العمل نیروهای انتظامی در مقابل این اعتراضات چی بوده است؟

**صالح سرداری:** نیروهای سرکوبگر دیروز ۴ نفر را دستگیر کرده و تا بحال از سرنوشت آنها خبری نیست. یک نفر از اهالی شهر را بنام فاتح مجیدی که دکه روزنامه فروشی دارد را کتک زده اند.

در شهر حکومت نظامی غیر رسمی برقرار بوده و از تجمعات بیش از ۱۰ نفر جلوگیری کرده اند. در همه خیابان ها و کوچه ها و مراکز شهر نیروهای ضد شورش و پاسدار و بسیج مستقر شده اما تا بحال سعی کرده اند که با مردم درگیر نشوند، چون بشدت

**صالح سرداری:** بله تا هم اکنون هم این اعتصاب و اعتراضات ادامه دارد. روز چهاردهم صدها نفر بطرف فرمانداری مریوان به راهپیمایی دست زده و در حالیکه شعار "بیکاری و گرسنگی است، کول بر حق است" در جلو فرمانداری شهر تجمع کردند و خواستار باز شدن مرز شدند. اما فرماندار مریوان میخواست با فریب دادن و وعده دادن از نوع جمهوری اسلامی آنها را ساکت کند. تجمع کنندگان به وعده های پوچ همیشگی واقعی ننهاده و تهدید کردند، اگر به خواستشان جواب ندهند، اعتصاب و اعتراضات خود را ادامه می دهند. روز سه شنبه از صبح زود تمام شهر تعطیل شده و هزاران نفر به اعتراض دست زده و بار دیگر بطرف فرمانداری دست به راهپیمایی زدند.

در مسیر راه شعار می دادند. "یا مرگ یا زندگی، باز کردن مرز آزادی زندگی" این اعتراضات ادامه داشته و تا بحال مقامات

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود!



بسرکردگی و مشارکت فردی بنام حاج سلمان از مسئولین اداره اطلاعات سندج سرانجام من را به دادگاه انقلاب بردند تا تفهیم اتهام کنند.

عین جملاتی که داستان با بغض و خشونت ادا کردند: " جوجه کمونیست شورشی، خبیث پدرسوخته این هشت مارس عکس خواهر و مادرت که میخواستی ثمرشون برای همه باشه غلط کردی برابری میخوای ببریش هم برابری بهش بدی هم آزادی تا سیر میشه!"

سالها در زندان با دوستان مراسم هشت مارس را در جمع کوچک رفقا با شیرینی دادن و کارت تبریک نوشتن و شعرخوانی باهم برگزار کردیم.

سال هفتاد و یک از زندان آزاد شدم. فضای اختناق بیداد میکرد. هشت مارس سمبل یک تحرک اجتماعی علیه ستم بود. هرساله در جمعها و محافل مختلف مراسم جشنی برگزار میکردیم گروههای جوانان و زنان را قالب گروههای فرهنگی، هنری، ورزشی و کوهنوردی به هم وصل میکردیم. مدتی قبل از هشت مارسها به تکاپوی برگزاری مراسم ها می پرداختیم. همه راهها و روشها را که یک مراسم خوب برگزار بشود را ارزیابی میکردیم. تلاش براین بود که هشت مارس به یک تحرک علنی تبدیل شود چندین طرح برای نائل شدن به این هدف به اجرا درآمد. هرچند ماهی نکات ضعف و قوت کارها را ارزیابی میکردیم. در کارو زار فعالیتهای پراکنده و منسجم تجاری کسب و راهکارهای جدیدی طرح میشد. هرسال که میگذشت بهتر از قبل مراسمها برگزار میشد.

انجام موفقیت آمیز هرکاری نیازمند صرف انرژی، تلاش و پیگیری است. مبارزه برای رهایی زن یک ضرورت اجتماعی است این مبارزه تصنعی یا از خود درآوردی نیست. پاسخ گویی به یکی از نیازهای اساسی جامعه است. بر همین اساس این مبارزه تعطیل نا پذیر است. مادام که ستم هست تلاش برای رهایی از ستم ولو اینکه تحت هر شرایطی محدود باشد ادامه دارد. هیچ تلاشی

هم بصورت خود بخودی به سرانجام نمی رسد. تبلیغ و ترویج و سازماندهی عوامل موثر در استمرار یک جنبش قدرتمند اجتماعی هستند. تشکل و سازمان سنگر استحکام و ادامه کاری یک جنبش اجتماعی است. در همین جهت تلاش برای سازماندهی تشکل های زنان یکی از مشغله های من و رفقایم در جامعه بوده و هست. که در جای خود قابل بحث و بررسی است آنچه به این بحث بر میگردد متشکل شدن و نهادینه شدن فعالیتهای جمعی و اجتماعی دستاوردهای جنبش زنان را چند برابر کرد. در این رابطه مراسم های با شکوه هشت مارس در شهر های کردستان و تهران در ده سال گذشته نمونه های بارزی هستند که بدون وجود تشکل های زنان و نقش رهبران اجتماعی، برگزاری آن مراسم های باشکوه هشت مارس با آن عظمت اجتماعی غیر ممکن است.

**پرتو : یک تجربه موفق از برگزاری مراسم های هشت مارس را برای فعالین اجتماعی و خوانندگان پرتو بیان کنید؟**

**آزاد زمانی :** مراسم های هشت مارس در ابعاد کوچک و بزرگ در همه شهرها هر کدام بجای خود دارای اهمیت و عظمت اجتماعی هستند و فعالین و دست اندرکاران آن مراسم ها شایسته تقدیر و ستایشند. در اکثر مراسمهای هشت مارس در بیست سال گذشته بوده ام گوشه ای از کار را گرفته ام تا هشت مارس، هشت مارس شود با افتخار میگویم که قطع نامه ها و بیان نامه های مراسمه های هشت مارس ده سال گذشته را تدوین کرده ام و همه این اسناد در ابعاد اجتماعی وسیعی به تصویب رسیده است که مطالبات واقعی جامعه را نمایندگی می کند. هشت مارس ۲۰۰۴ نزدیک میشد به اتفاق جمعی از شخصیت ها و فعالین اجتماعی در شهرهای مختلف جلساتی را برگزار کردیم تهران، کرمانشاه، کامیاران، کرج، سقز، مریوان، و چند شهر دیگر. رایزنیهای مختلفی بر سر چگونگی برگزاری مراسم و امکانات و محتوی برنامه ها در جلسات با شخصیت ها و فعالین

دست اندرکار مطرح شد. تلاش ما برگزاری هرچه توده ای تر و وسیعتر مراسمها بود. در مورد قطعنامه ها و مطالبات سراسری بحث و گفتگو میکردیم روحیه جمعی را تقویت میکردیم. دوستان را در انجام وظایف اجتماعی خود حمایت و پشتیبانی میکردیم. برای انجام هرکاری الزامات و شوق دوم را انتخاب میکردیم. با توجه به شرایط و فشارهای امنیتی که بر فعالین اجتماعی و شخصیت ها سنگینی میکرد و هر دم احتمال بازداشت در جریان بود بایستی همه چیز را حساب و کتاب میکردیم.

قطعنامه ها در شهرها بعد از جلسات مختلف به تصویب رسید به سنجندج برگشتیم با چند تن از دوستان که هر کدام به جمعهای مرتبط بودند جلساتی داشتیم که چکار کنند و اگر ما دستگیر شدیم چگونه مراسم پیش برود به همراه دبیا علیخانی و جمعی از دوستان شب مانده به هشت مارس یک جلسه اضطراری داشتیم برخی مسایل پیش آمده بود.

دبیا و من و ثریا محمدی از طرف اداره اطلاعات بازخواست شده بودیم، احتمال دستگیری موقت برای اینکه مراسم برگزار نشود در میان بود در جلسه سعی کردیم که روحیه را بالا ببریم به دوستان نگفتیم که بازخواست شده ایم و چی گفته اند آن شب تا صبح خوابیدیم. بحث پیرامون سخنرانی ابعاد مراسم مشکلات و تدارکات بود.

صبح روز بعد دبیا در اماکن انتظامی بازداشت شد با خبر شدم ولی به دوستان نگفتم. مراسم قرار شد بعد از ظهر در سالن آزادی شهر سنجندج برگزار شود. چند تن از دوستان گفتن که به محل مراسم نروید احتمال دستگیری می رود.

گفتم نباید دستگیری و فضای پلیسی مانع برگزاری مراسم شود مادام که مردم به محل مراسم میاید باید هرکس به اندازه توانش در برگزاری آن بکوشد و منتظر کسی نماند.

اوراق تبلیغی به مناسبت هشت مارس پوسترها و پلاکاردها غیر از آنهایی که توسط نیروهای امنیتی پاره شده بود یا جمع آوری شده بود دیده میشد حجم تبلیغات

بالا بود و با مشکل میشد همه آنها را جمع آوری کنند. تدابیر کمیته تبلیغ خیلی بجا بود و هنگامی که به طرف سالن آزادی خیابان اصل چهار میرفتم دیدم که مردم از پلاکاردها عکس و فیلم میگیرند خیلی خوشحال شدم که مردم با شورش و شوق استقبال میکنند خیابان منتهی به سالن آزادی ملو از گروهها و جمعهای بود که به طرف سالن می رفتند.

چند صدمتری به سالن آزادی اعضای چند نفر از خانواده ای به سویم دویدند و من را در آغوش گرفتند. گفتند نرو جلو نیروهای امنیتی و یگان ویژه جلو سالن منتظر هستند و بازداشت میکنند گفتیم این همه مردم را مگر می توانند دستگیر کنند.

گفتن نه شما را میگیرند که مراسم برگزار نشود. گفتیم نترسید شما تریبون را بگیرید. ببینید دهها نفر مثل ما راهی محل مراسم هستند هر کدام حرف و حدیث هایی دارند که مراسم را میتواند بهتر از ما برگزار کنند. بروید جلو اگر ما را گرفتند، اولاً اعتراض کنید و نگذارید بعد هم مراسم را تحت هیچ شرایطی نباید تعطیل کنید. بروید جشن بگیرید و باید هشت مارس برگزار شود به طرف درب سالن رفتم خانواده ها دور برم را گرفتن نیروهای امنیتی هر چه صدایم کردند جواب ندادم داخل سالن شدم و گروه ویژه کمیته امنیت هشت مارس مستقر شد. گفتیم تریبون را بگیرید به مردم خوشامد بگویید فضا را با روحیه نگه دارید.

ثریا پشت تریبون رفت مراسم رسماً شروع شد پلیس هرکاری کرد که به تعطیلی بکشاند نتوانست مردم سالن را قرق کردند. شادابی و شور هیجان همه سالن را فرا گرفته بود.

بیش از سه هزار نفر در سالن گرد هم آمده بودند. احساس غرور همه فعالین را فرا گرفته بود. با اقتدار کارها را پیش می بردند. تشویق مردم بصورت پی در پی فضا را انرژی کرده بود. شادابی و لذت و توانایی اجتماعی موج میزد.

علاوه بر فشارها و تهدیداتی که نیروهای امنیتی از طریق موبایل اعلام کردند، نگران

## دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



دبیا علیخانی بودم که دربارداشت بود. ولی سعی کردم نگرانی را به دوستان دست اندرکار انتقال

ندهم تا روحیه شان خراب نشود. محاسباتی کردم که مراسم ادامه پیدا کند و دروسط مراسم اعلام میکنم که دبیا را گرفتن و مردم بصورت دسته جمعی بروند، جلو استانداری یک ساعت از مراسم گذشته بود که دبیارا آزاد کردند. دبیا به میان مردم آمد وبا چهره خسته اش به سوی تریبون رفت و سخنرانی پرشوری در رابطه با حقوق زن و هشت مارس ایراد کرد.

بسیجیها تلاش میکردند، با انداختن ترقه و خراب کاری مراسم را بهم زنند که نیروهای امنیتی دخالت کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

کمیته امنیتی خیلی هوشیارانه وجدی عمل میکرد همه توطئه ها را خنثی کردند. یک نفر پلاکاردی آورده بود که مشخصا خیلی بی ربط به مراسم بود میخواست بازش کند تا اطلاعاتی ها بپزند بچه ها بلا فاصله جمشش کردند. یک پاسدار لباس شخصی میخواست پشت تریبون برود و چرت و پرت سرهم کند و خراب کاری کند که بعد اتهام سازی کنند. بچه ها وقتش را تلف کردند داد میزد آزادی بیان میخوام میخوام از سوسیالیزم اسلامی صحبت کنم! ..... رفقای کمیته امنیت سرکارش گذاشتند تا فضای مراسم به هم نریزد.

سخنرانی پشت سر سخنرانی شور و شوق کف زدن ها سالن را سرشار از شادابی کرده بود مراسمی که تا بحال نمونه اش را تجربه نکرده ام.

ثریا برای اولین بار از تریبون علنی و درحضور سه هزار نفر علیه اعدام سخنرانی کرد علیه اعدام افسانه و شهلا جاهد سخنرانی کرد.

تشکل های کانون دفاع از حقوق کودکان. انجمن صنفی معلمان. دانشجویان دانشگاههای آزاد و کردستان، جامعه حمایت از زنان و سندیکای کارگران خباز بیانیه ها و سخنرانی های درحمایت از جنبش زنان قطع نامه ایراد

کردند.

مراسم با خواندن سرود و آواز درمیان شادی و سرور مردم بپایان رسید جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی بیرق اقتدار اجتماعی خویش را بر زمین جامعه کوبید.

هشت مارس های سنجندج باشکوه و ارزشمند هستند و تجاربی را برای جنبش زنان ایران و دنیا به ارمان آورده اند که جای تقدیر است و می توان از اسناد وفایلهای تصویری و صوتی آن صدها آثار ادبی، اجتماعی و فرهنگی را تهیه کرد که بجای خود دست علاقه مندان این عرصه ها را می بوسد.

**پرتو: منظورت از تدابیر در تدارک مراسم ها چی بود نکاتی را که به نظرت مهم است بیان کنید؟**

**آزاد زمانی:** کار علنی و اجتماعی در فضای جامعه با هزار و یک مشکل و فوت و فن مواجه است از ارتباط با مردم تا هدایت تشکل و تحركات در ابعاد اجتماعی و توده ای تا انجام یک مراسم و تدارکات فنی تشریفاتی و عمومی همه اینها هر کدام نیاز به برنامه درایت و دقت دارد که در موفقیت هر عمل اجتماعی موثر هستند.

ساده کردن کارها برای تیم های دست اندرکار و مدیریت کردن و هدایت کردن فرایند کار و فعالیت اجتماعی خود یک هنر است که هر فعال اجتماعی می تواند این هنرها را فرا گیرد از تجربه ها استفاده کند. کارهایش را در میدان خطا و آزمایش قرار دهد. دوستان و علاقمندان به کار را به مشارکت و دخالت فرا خواند در انتخاب ها دقت کند برای انجام فعالیتها یارگیری کند همه فن حریف محیط کار و فعالیت خود شود.

ما همیشه برای هر کاری چند نفر را تعیین میکردیم. اگر فردی نبود چه باید کرد کی باید نقش آن فرد را بعهده بگیرد. در مورد محلهای برگزاری هم تدابیر لازم را داشتیم اگر امکانی و مکانی محدود و یا سلب شد چه باید کرد با توجه به وضعیت همه چیز را می سنجیدیم. برخی مسائل را محدود به افراد با

تجربه تر میکردیم که از بروز مشکلات ممانعت بعمل بیاد و تلاش براین بود که اریکه از دست خارج نشود و توازن را به نفع خویش بچرخانیم.

برای این کار بعد اجتماعی کار را مبنا می گرفتیم هر چه وسیعتر مصونیت بیشتر این اصلی بود. که بران همیشه تاکید میکردیم. در میان گزینه های مختلف برای انجام هرفعالیت و مراسمی که در پیش داشتیم اجتماعی ترین را انتخاب میکردیم.

مصونیت و تامین امنیت را از جامعه می گرفتیم. علنیت کار و بعد اجتماعی تحركات، نقطه قوت کار ما بود

در همه عرصه ها بویژه مسایل مربوط به جنبش زنان برگزاری دهها سمینار و مراسم های هشت مارس و همایش های اجتماعی رویکرد اجتماعی کار در دستور کار ما بود که همه دوستان بطور مرتب بایستی به اعضا و مردم فعالین اجتماعی یاد آوری میکردند.

شخصیت دادن به علاقه مندان به کارهای اجتماعی و جنبشی یکی دیگر از نقاط قوت کار ما بود هر کس می توانست و علاقه داشت امکانات برایش مهیا میشد. تریبون مراسم ها مال آنها می شد که عرض اندام می کردند حرف داشتند فریاد میکردند معترض بودند.

محتوای برنامه ها و قطعنامه ها و مطالبات براساس مسایل واقعی جامعه و نیازهای مردم طرح ریزی و بیان می شد تا جایی که به کمیته های دخیل در امر سازماندهی کار های اجتماعی مراسم ها بر میگردد. این اصلی اکید بود که مطالبات باید نیازهای واقعی و مربوط به جامعه و مردم را نمایندگی کند باید حرف دل و درون مردم باشد.

باید وقتی قطعنامه ها و یا بحث ها به میان میاید مردم احساس کنند حرف دلشان است. احساس راحتی بکنند. احساس قدرت اجتماعی بکنند احساس کنند صدایشان رساتر شده است

**پرتو: برای فعالین هشت مارس ۲۰۰۹ چه پیامی دارید؟**

**آزاد زمانی:** هشت مارس را برگزار کنید. جشن و سرور و شادی بپا کنید.

دور هم جمع بشوید گروههای موزیک و آواز و سرود را به مراسمهای خود دعوت کنید. گروههای طنز و شعر و هنر نمایی را به مراسمهای هشت مارس بیاورید. زنان و مردان هنرمند این روز مال شماست.

گروههای تئاتر را بیاورید و ابعاد زندگی زنان را به نمایش بگذارید. کرحتی های این جامعه نابرابر را به نمایش بگذارید.

با طنز و شعر و دکلمه کردن به ریش صاحبان این دنیای نابرابر بخندید و آنها را به خاطر سیستم ناعادلانه و تبعیض آورشان ریشخند کنید. نقد کنید.

بگذار مردم شهر هشت مارس است. روز جهانی زن است. باید مبتکران هشت مارس را بعنوان پیشقراولان آزادیخواهی و برابری طلبی بستانند.

بگذار میلیونها انسان نفرت خود را از شرنظام سرمایه داری بعنوان بانی فقر و فلاکت و تبعیض به نمایش بگذارند.

رهایی زن رهایی جامعه است. دورهم جمع شوید. مراسم هشت مارس را در محل کار و زندگی خویش در مدرسه و دانشگاه در کارگاه و کارخانه در میدان های مرکزی شهر برگزار کنید، با دسته های گل سرخ به بدرقه هشت مارس بروید. به همدیگر کارت تبریک و گرامیداشت هشت مارس ارسال کنید. و همه مردم را به مشارکت در هشت مارس فراخوانید.

برای همه فعالین و دست اندرکاران جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی برای برگزار کنندگان هشت مارس آرزوی پیروزی شادابی را دارم.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد هشت مارس

\*\*\*

**اساسی سوسیالیسم انسان است ، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است**

برهان دیوارگر

## لزوم اقدامی عاجل برای افزایش دستمزدها

کارگری کوچک و بزرگ نمایندگان خود را تعیین کنیم ، نمایندگان کارگری را در بعد سراسری وارد مذاکره با دولت و کارفرمایان کرده و آنها را وادار به قبول خواسته های اساسی مان بکنیم و در صورت عمل نکردن دولت ، اعتصابات سراسری را به مرحله اجرا بگذاریم. ما میتوانیم زیرا اتحاد ما ، یعنی اکثریت جامعه و در نتیجه اعتصاب ما مساوی است با فلج کردن کل کشور و این یعنی سرمایه داران و حامی اصلیش دولت را وادار به تمکین کنیم. مسئله ای که نباید از نظر دور بداریم جلب حمایت و پشتیبانی جنبشهای اجتماعی مانند جنبش دانشجویی که در چند سال اخیر خیلی فعال بوده اند یا جنبش زنان و معلمان که خودشان هم در حال مبارزه با نظام سرمایه داری میباشند است. وظیفه فعالین و رهبران کارگری و کمونیست در این رابطه بسیار مهم است. باید در مورد پیوستن و جلب حمایت دیگر جنبشهای فعال در جامعه نهایت تلاش را نمود و برای جلب پشتیبانی آنها وارد صحنه شد . برای این کار شرکت در اعتراضات آنها و حمایت از اعتراضات آنها در طول سال بی نهایت ضرورت دارد و آنها را ترغیب به حمایت از اعتراضات جنبش کارگری در آینده خواهد نمود.

\*\*\*

[Borhandivargar2006@yahoo.com](mailto:Borhandivargar2006@yahoo.com)

از دولت داشته باشیم ، بلکه باید مقدار زیادی از توان و انرژی خودمان را برای مقابله با توطئه های دولت بگذاریم . کارفرمایان با حمایت دولت هر بلایی را که بخواهند به سر ما می آورند و هر قانونی را بخواهند تصویب مینمایند . برای لغو این حداقل دستمزدها مصوبه تعیین میکنند کارگران را از شمول قانون کار خارج میکنند ، اخراج میکنند و فعالین کارگری را به جرم برگزاری مراسم اول مه و یا شرکت در اعتراض و اعتصاب به زندان و شکنجه و شلاق محکوم مینمایند و هیچ کسی هم ککش نمیکرد. تنها راه چاره خودمان هستیم و امیدمان باید به خودمان و قدرت طبقاتی مان باشد و مطمئن باشیم که سلاح ما از سلاح دولت و کارفرمایان بسیار قویتر و کارا تر میباشد به شرطی که قدرت این سلاح را در یک جا متمرکز نمائیم.

رفقای عزیز . مقوله دستمزدها به حیات و زندگی ما بستگی دارد و بهترین فرصت است تا همه کارگران ایران را پای این مسئله جمع کنیم ، از لشکر کارگران بیکار گرفته تا کسانی که دارای مشاغل کاذب همچون دستفروشی هستند و زنان خانه دار. این یک مسئله سراسری و همگانی است و برای افزایش دستمزدهای واقعی که با نرخ تورم متناسب باشد اقدامی عاجل لازم است . در این مورد بسیار نوشته شده است. من هم تاکید میکنم که باید در قدم اول با برپائی مجامع عمومی کارگری در مراکز

و استثمار بیشتر کارگران می باشد، چون در واقع نمایندگان واقعی کارگری در این نشست شرکت نمیکند تا از منافع کارگران دفاع کنند ، دور هم جمع میشوند و بعد از چند روز مبلغی را اعلام میکنند که حتی خود اقرار به ناچیز بودن آن میکنند و حتی نمایندگان تشکل کارفرمایی هم نسبت به این مسئله اعتراض کرده اند.

عباس وطن پرور، دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان کشور، در بهمن ماه سال جاری خط فقر ۷۸۰ هزار تومانی شهرها را حدود چهار برابر حداقل دستمزد ۲۲۰ هزار تومانی کارگران اعلام کرد و گفت هیچ تعادلی بین این دو رقم وجود ندارد. این یک مسئله بسیار مهم و تعیین کننده برای ادامه زندگی طبقه کارگر میباشد و باید خودمان برای خودمان فکری بکنیم و گرنه شرایط روز به روز بدتر میشود و اگر امیدمان به کارفرما و یا دولت باشد باید همیشه در فلاکت و فقر مطلق و بی حرمتی محض زندگی نمائیم. ما کارگران فقط چند روزی با اعتراض های پراکنده و کوچک در نقاط مختلف با نوشتن طومار و یا بیانیه ، خودی نشان میدهم که هر چند این اقدامات با ارزش و جای تقدیر دارد اما بشدت ناکافی میباشد و لزوم همبستگی بیشتر و حرکت سراسری را میطلبد تا برای یک بار این معضل اساسی و حیاتی را حل نمائیم .

دوستان و رفقای کارگر: ما باید به نیروی خودمان اتکا داشته باشیم و نباید انتظار هیچ گونه کمکی را

هر ساله ماههای پایانی سال بحث افزایش دستمزدها داغ میشود و همه در مورد تورم و لزوم افزایش دستمزدها بحث میکنند ، مینویسند و هر کسی راه کاری را پیشنهاد میکند.

در اینکه با دستمزدهای ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی کنونی نمیشه حتی خرج ۱۰ روز یک خانواده چهار نفره را داد شکی نیست و باید در نظر داشت که خود دولت خط فقر را ۸۰۰ هزار تومان تعیین کرده است. با این حساب بالغ بر دهها میلیون نفر در زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند و همیشه محتاج لقمه نانی میباشند. کارگران همیشه باید با اضافه کاری و داشتن چند شغل در چند جای مختلف کار بکنند تا بلکه بتوانند خرجی خود و خانواده اشان را تامین کنند. اما با وجود این تورم و گرانی افسار گسیخته غیر ممکن است بتوان در برابر این غول مقاومت نمود و این یعنی توحش و ظلم مطلق به کارگر و خانواده اش . باید فکری به حال این وضعیت نمود تا همه کارگران از یک زندگی استاندارد و مطابق با شأن خود بهره مند شوند و چاره این کار هم فقط در دست خود کارگران است که این معضل را حل نمایند.

طبق روال معمول، هر ساله عده ای ضد کارگر و مرفه تحت عنوان نشست سه جانبه یعنی نمایندگان دولت، کارفرما و کارگران که هم و غمشان نه تنها افزایش دستمزدها نیست بلکه هدفشان افزایش سود بیشتر کارفرمایان و رسیدن به سهم خود

## به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب : A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays

## در دفاع از حق حیات افغانیهای مقیم ایران سعید آرمان

فشارها و تحقیرها هنوز رژیم اسلامی موفق به اجرای طرح "بازگشت داوطلبانه" بخوان اخراج پناهیجویان افغانی نشده است.

ترددی در این نیست که طبقه کارگر ایران خود زیر فشار طاقت فرسا و استثمار شدید توسط بورژوازی ایران و دولت اسلامی سرمایه قرار دارد و در عرصه‌های مختلف درگیر مبارزه با قوانین وحشیانه اداره کار این رژیم، میباشد. علیرغم تمامی این فشارها ابتدائی ترین توقع از طبقه کارگر ایران بویژه بخش آگاه آن این است که به دفاع از حق حیات و اشتغال کارگران "مهاجر" برخیزد. این یک اقدام عاجل و فوری است که اهدافی عمیقاً انسانی و طبقاتی در آن نهفته است که واقف بودن طبقه ما را به هم سرنوشتی طبقاتی و معیارهای والای انسانی، نشان میدهد.

طبقه کارگر و مردم ایران زندگی زیر سایه یکی از استثمارگرترین، شرورترین و ضد بشری ترین رژیمهای تاریخ معاصر را با تمام وجود تجربه کرده است و درگیر مبارزه‌ای بی وقفه با آن بوده و هست. لذا نمیتوانند در مقابل این همه زورگویی به هموعان افغانی و عراقی، خود که رانده شده از دست طالبان و جنگ و بیکاری هستند، ساکت باشند و اجازه دست درازی بیش از این را به رژیم اسلامی نمیدهند و برای حق حیات آنان نیز مبارزه خواهند کرد. دفاع از این اصل پایه‌ای و همسرنوشتی به درجه اولی امر کارگران کمونیست میباشد. طبقه کارگر ایران با جلوگیری از این تعرض افسار گسیخته رژیم اسلامی ارکان مقدس آن را همچون مرز، ملیت و نژاد و جدا کردن طبقه کارگر با این تفاوت‌های کاذب، به زیر سوال خواهد برد و درسهای بسی آموزنده تاریخی برای طبقه ما در بر خواهد داشت.

\*\*\*

بیگانه" در این کشور یکی و دو تا نیست. محدودیتهای شغلی، تحصیلی، تردد و اسکان از جمله فشارهایی میباشد که زندگی را به کام افغانیهای مقیم ایران تلخ کرده است. از جمله مناطق ممنوعه اسکان و اقامت "اتباع خارجی" بخصوص افغانی و عراقی مشخص شده است. بر اساس بخشنامه، اقامت اتباع افغان در استان های لرستان، مازندران، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، آذربایجان شرقی، همدان، گیلان و خوزستان ممنوع است.

علاوه بر این، اقامت اتباع افغانی و عراقی در استان های خراسان شمالی، و سیستان و بلوچستان نیز ممنوع اعلام شده است. در استان خراسان جنوبی اتباع افغان حق اقامت در شهرهای فردوس و سراوان و شهرهای مرزی را ندارند، در خراسان رضوی نیز شهرهای مرزی تربت جام، قوچان، تایباد، خواف، سرخس، کلات نادر و درگز، برای اقامت افغانی ها ممنوع است.

برای اقامت در استان شمالی گلستان فقط مجاز به اقامت در شهرهای گرگان و گنبد هستند. اقامت در استان یزد نیز که تعداد زیادی افغان در شهرهای بزرگ آن فعالیت دارند، فقط در شهرهای خاتم و بافق برای اتباع افغان ممنوع است، وضعیت در استان کرمان نیز تقریباً مشابه استان یزد است و افغانی ها حق اقامت در شهر بابک، منوجان، بافت و عنبرآباد را ندارند. در استان فارس نیز شهرهای فیروزآباد، فراشبند، داراب، ارسنجان، فسا، مهر و خنج برای اقامت افغانی ها ممنوع است. محدودیت های استان اصفهان نیز گسترده است و افغانی ها مجاز به اقامت در شهرهای فریدن، فریدون شهر، سمیرم، چادگان، خوانسار، بخش مرکزی اصفهان، دهاقان، نائین و گلپایگان نیستند.

علیرغم همه این محدودیت ها و

## تداوم تعرض رژیم علیه فعالین کارگری

برهان دیوارگر

بنا به اخبار منتشر شده در روزهای ۲۲ و ۲۸ فوریه ۲۰۰۹ آقایان رحیم بسحاق از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه و رضا رخشان، مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه بوسیله مأمورین وزارت اطلاعات رژیم بازداشت شده اند و همچنین مأمورین با یورش به منزل آقای علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با تفتیش منزل و تهدید افراد خانواده اش وی را به اداره اطلاعات احضار کرده اند.

این در حالیست که ۵ نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره این سندیکا قبلاً در دادگاه انقلاب محاکمه شده اند. این تعرض در پی بی اعتنائی کارگران به انتخابات فرمایشی شورای اسلامی کار بیشتر شده است و میخواهند زهر خودشان را به هر طریقی به فعالین کارگری سندیکای هفت تپه بریزند و با تهدید و ارباب از زندان و بازداشت گرفته تا شلاق و اعدام، مانع ادامه فعالیت سندیکا و حق طلبی کارگران بشوند. غافل از اینکه این تهدید و ارباب در طول حیات نظام سرمایه داری موجود بوده و نتوانسته است عزم کارگران را در مبارزه در دفاع از زندگی و آینده ای بهتر سست کند. واضح است، این اعتراضات را باید متشکل نمود، باید برای آزادی فعالین کارگری سندیکای نیشکر هفت تپه به میدان آمد و رژیم را وادار به عقب نشینی نمود. تنها اعتراضات متحدانه و متشکل و میلیونی طبقه کارگر میتواند مانع از این همه تعرض و فشار بشود. باید برای رهایی از این همه توحش ایستادگی کرد و یک صدا خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری و تمامی زندانیان سیاسی بشویم و با مبارزه خود برای همیشه به عمر نظام وحشی سرمایه پایان دهیم.

\*\*\*

رژیم اسلامی اینبار با سلاحی قدیمی اما با تهدیدات بیشتر به میدان ضدیت با افغانیهای مقیم ایران آمده است. جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه حیات ننگین خود نهایت تحقیر و فشار و اعمال زور را علیه میلیونها انسان آواره افغانی مقیم ایران اعمال نموده است. اکنون وزارت کار ایران به کارفرمایان این کشور هشدار داده که در صورت استفاده از نیروهای کار "خارجی غیر مجاز" حداقل به مدت ۸۱ روز زندانی خواهند شد. **حمید حاجی عبدالوهاب معاون وزیر کار ایران به خبرگزاری دانشجویان ایران گفته است جریمه کارفرمایی که برای اولین بار از اتباع خارجی غیرمجاز استفاده کنند پنج برابر دستمزد و در صورت تکرار این رقم ده برابر دستمزد روزانه یک کارگر خواهد بود.**

حداقل مزد روزانه یک کارگر هفت هزار و ۳۲۰ تومان است و کارفرمایی که برای بار اول از اتباع خارجی استفاده کنند ۳۶ هزار و ۶۰۰ تومان و برای بار دوم باید ۷۳ هزار و ۲۰۰ تومان جریمه پرداخت کنند. به گفته معاون وزیر کار، "کارفرمایی که بعد از دو بار مجازات باز هم از اتباع خارجی غیرمجاز استفاده کنند، مجازاتشان حداقل ۸۱ روز زندان خواهد بود."

این یک تهدید آشکارا فاشیستی است. اعمال سیاسی از نوع محاصره اقتصادی عراق توسط دولت آمریکا و متحدین جنایتکارش، و محاصره اقتصادی غزه توسط رژیم فاشیستی اسرائیل، میباشد. حق ممنوعیت اشتغال به صدها هزار کارگر افغانی و عراقی مقیم ایران یعنی تحمیل گرسنگی، قطع نمودن شیر بچه‌هایشان و نداشتن حق سرپناه بدلیل عدم پرداخت کرایه خانه، به معنی مشکلات بهداشتی و آلودگی به امراض متعدد و هزار و یک مصیبت اجتماعی دیگر میباشد.

اعمال فشار فاشیستی بر "اتباع

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی